

جوانی پر رنج ...

پژوهشی درباره‌ی مسائل جوانان ایران

(۱۰)

علاوه بر توسعه‌ی زبان ، مطالعه ، انگیزنده‌ی «اندیشه» نیز بشمار می‌رود . اندیشه‌های ظریف کمتر در مکالمات عادی فرصت جولان کافی مییابند . در کتابها و نوشته‌ها ، اندیشه‌ها فرصت بیشتری برای جهش ، آفرینندگی و تولید بدست می‌آورند . از اینرو مطالعه نه تنها به رشد زبان ، بلکه به «رشد اندیشه و شخصیت» ، و «خلاقیت» و «ابتکار» نیز کمک میکند . و در نتیجه یکی از مهمترین وسایل نگاهداشت و استقرار بهداشت روان بشمار می‌رود . بطوریکه در مورد درمان و پیشگیری و ریشه کنی بسیاری از ناراحتی های روحی ، در برابر شیوه های مختلف درمانی ، همچنین نیز به سهولت میتوان از شیوه‌ی «درمان بوسیله‌ی مطالعه» نام برد .

عوامل مرمیز از مطالعه
هنگام کاوش درباره‌ی علل توجه و روی کرد کافی
به مطالعه در ایران ، پیش از هر چیز ، سنت
تاریخی و اجتماعی ما را نباید از نظر دور داشت . عدم اعتیاد به مطالعه ، بهیچ
وجه دلیل بر عدم رغبت به یادگیری و کسب اطلاعات و تجربیات تازه نیست .
بلکه بیشتر ناشی از اعتیاد به شیوه‌ی خاص یادگیری و کسب اطلاعات تازه در
ایران است .

۱- آقای دکتر محمدعلی اسلامی ، برخلاف نظر ما ، کمی مطالعه را در ایران ، از جمله دلیل بر ضعف دانش دانستن « ایرانیان می‌دانند . ایشان معتقداند که - « ... عیش دانستن در ما نیست . در بعضی کشورها مردمش نوعی عیش خاص برای یاد گرفتن دارند . چه مردم عادی و چه کسانی که در زمینه‌ی رشته‌ای خاص کار می‌کنند . اما این حس در جامعه‌ی ما ضعیف است . ما در مورد بقیه در حاشیه صفحه بعد

فرهنگی سمعی
 در ایران ، قرن‌ها مردم ، مطالب ، اشعار ، حکم
 و امثال ، و تاریخ و حدیث را ، سینه به سینه و دهان
 بدهان ، نقل کرده‌اند . بطوریکه میتوان شیوهی تربیتی ، و مدنیت مارایک
 « مدنیت سمعی » نامید که در آن یادگیری شفاهی بوسیلهی گوش ، بر
 یادگیری بوسیلهی چشم ، یا به شیوهی بصری ، ترجیح داشته است . از اینرو
 میان یک بومی بی‌سواد آفریقائی ، و یک بی‌سواد ایرانی ، احیاناً از نظر
 فرهنگی تفاوت و فاصله بسیار است . چه بسیار بی‌سوادان در ایران که هم
 اکنون قسمت‌های زیادی از دیوان حافظ ، شاهنامه‌ی فردوسی ، بوستان و
 گلستان سعدی ، و تک‌بیت‌های فراوانی از امثال و حکم را در خاطر دارند ، و
 بموقع بالطف و ذوق و دقتی سرشار آنها را بکار می‌برند ، و کمتر کسی ممکن است تصور

مطالعه به مقداری ظواهر قناعت می‌کنیم ، در عمق مطالب فرو نمی‌رویم ، و اهمیت
 جدی به کتاب نمی‌دهیم ؛ بمجله‌ی راهنمای کتاب ، ش ۷ ، مهرماه ۱۳۴۰ ص ۶۸۵ .
 ای‌کاش در مورد مسائل اجتماعی بدون هیچگونه بررسی و تحقیق اینگونه قاطع و
 سهل می‌شد قضاوت کرد !

برخلاف آقای دکتر اسلامی ، آقای ابوالقاسم پاینده معتقدانده که - « البته
 در ایران مردم باسواد کم‌اند . ولی بی‌سوادی موجب بی‌رغبتی به کتاب نیست ،
 کتاب حسین کرد و داستان‌های عوامانه و کتب مذهبی بسیار چاپ می‌شود ،
 حسین کرد شاید صدو پنجاه بار طبع شده باشد ؛ یا امیر ارسلان همین‌طور ؛ همان
 مجله ، ص ۶۸۶ و نیز رجوع کنید به همان مجله ص ۵۸۱ بحث دکتر احمدی
 درباره‌ی تیراژ کتاب‌های عامیانه و مذهبی که مؤید نظر آقای پاینده است .
 ۱ - هر چند فرهنگ توده‌ی مردم ، عموماً جنبه‌ی سمعی دارد ؛ لیکن
 شیوه‌های بصری نیز در آن بکلی بی‌سابقه نیست ، یکی از وسایل بسیار متداول آموزش
 بصری که معرکه‌داران در مجسم ساختن داستان‌های خود از آنها استفاده می‌کنند ،
 پرده‌های شمالی است . در روی این پرده‌ها عموماً داستان آفرینش ، بهشت ، دوزخ ،
 پل صراط ، سرنوشته گناهکاران ، فرجام نیکوکاران ، شب اول قبر ، رستاخیز
 مردگان ، فرشتگان عذاب ، میزان قیامت ، صحرای کربلا ، شهادت حسین بن علی ،
 انبیاء و معصومین و نظیر آن ، همه ترسیم شده است . معرکه‌گیر با اشاره بهر تصویر ،
 روزها می‌تواند داستانهای فریبنده بگوید ، و شنوندگان خود را به مقتضای حال ،
 هم‌بخنداند ، و هم بگریاند . نمونه‌ی این پرده‌ها تاده پانزده سال پیش در میدان
 امین السلطان تهران ؛ و در زیارتگاهها ، مانند حضرت عبدالعظیم و امامزاده داود
 بفرآوانی دیده می‌شد ، لیکن اینک با مرگ و پیری و فرسودگی این پرده‌داران
 معرکه‌گیر و بی‌جان‌ترین ، پرده‌های شمالی نیز اندک اندک کم پیدا می‌شوند .
 بطوریکه چندی پیش نماینده‌ی یکی از موزه‌های آمریکا برای تهیه و خرید یکی
 از این پرده‌ها ؛ حتی به بهای قابل ملاحظه‌ای دچار زحمت شده بود ؛ و مدتی برای یافتن
 آن‌عی گشت ، و نیز سفری به اصفهان نمود .

کند که آنان بیسوادند. بسیاری از مسئله گویان، نقالان، مداحان و معر که گبران ما، در گذشته و حال قادر بخواندن و نوشتن نبوده و نیستند، در صورتی که حتی تنها بوسیله‌ی سحر بیان، و حافظه‌ی شگفت‌انگیز خود امرار معاش می‌کنند. اینان عموماً وارثان لایق فرهنگ سمعی کشور خویشانند. و دستور: «خذوالعلم من افواه الرجال» ویا «آدمی فر به‌شود از راه گوش، را که شعار فرهنگ‌های سمعی بشمار میرود، بادقت بکار بسته‌اند. در تأیید این نظر، در میان وسایل مدنی جدید میتوان «رادیو» را نام برد که پذیرش همه‌گیر و سریع آن در ایران، در کمتر کشوری از کشورهای غربی نظیر دارد.

امروز رادیو، و رادیوهای ترانزیستوری، نه رادیو و تربیت سمعی تنها در شهرها جزء تفکیک‌ناپذیر زندگی اغلب از مردم بشمار میرود، بلکه در میان خیمه‌های بسیاری از چادر نشینان مانیز راه یافته است. در تهران، در تحقیقاتی که بوسیله «دائرة‌ی سنجش افکار و عقاید» اداری کل انتشارات و رادیو، در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۴۰ بعمل آمده است، در نمونه گیری دقیقی از بالغ بر شش هزار تن افراد از پانزده سال به بالا، بیش از هشتاد درصد (۷۸٪) آنان غالباً به رادیو گوش میداده‌اند. علاوه بر این، تمایل شتوندگان بیشتر به شنیدن «گفتارها» بوده است، تا به «موسیقی». در صورتیکه از بیست و چهار ساعت برنامه‌ی رادیو ایران، بالغ بر ۱۴ ساعت اختصاص به گفتار، دارد و ده ساعت به موسیقی. بدین ترتیب رادیو در ایران، با توجه به سفت دیرین «فرهنگ سمعی» کشور، جای‌نشین «واعظان» و «نقالان» محبوب گذشته گشته است. و کم و بیش عهده‌دار رساندن اطلاعات به بیش از ۶۵ درصد از جمعیت این کشور است. از اینرو اغراق نکرده‌ایم که در کشوری که بیش از صدی هشتاد و پنج مردم آن بیسوادند، و مسئله‌ی مهم تربیت آن، «تربیت سالمندان» است، رادیو نقشی مهمتر و مسئولیتی به مراتب بیشتر از «وزارت فرهنگ» بر عهده دارد.

در مورد سبب‌گیر از مطالعه، نکته‌ی قابل توجه دیگر اینست که: غالباً از جوانان تحصیل‌کرده‌ی ما، عموماً در خانواده‌های پرورش یافته‌اند که برای نمونه - احیاناً غیر از قرآن - حتی یک نسخه کتاب نیز در میان آنها یافت نمی‌شده است. بدین ترتیب عشق به کتاب و مطالعه از کودکی در اینگونه جوانان در حیات خانوادگی انگیزه‌ای نداشته است. آشنائی

فقدان

سابقه‌ی خانوادگی در مطالعه

- ۱ - «علم را از دهان‌های بزرگان فرار گیرید»: حدیث نبوی
- ۲ - رجوع کنید به: «دائرة‌ی سنجش افکار و عقاید شتوندگان رادیو ایران در سال گذشته چه کرده است». نشریه‌ی پلی‌کپی، تهران ۱۳۴۱

آنها با کتاب و مطالعه ، عموماً در مدرسه ، بخاطر درس و امتحان بوده است که آنها بیشتر جنبه‌ی تحمیلی داشته‌است ، تاجنبه‌ی ذوقی و اختیاری . چندکارگی و تمریز از مطالعه
 رواج چندکارگی در میان طبقات تحصیلکرده و جوان ما و زبانهای آن کسه نسبت به تفصیل در مسئله‌ی کار ، از آن سخن رفت ، در امر کمی رواج مطالعه و یادگیری اضطرابی از آن نیز بی‌تأثیر نیست . دکتر احمدی در این باره مینگارد :-

« اکثریت کتابخوان‌ها ، در قشرهای متوسط اجتماع جای دارند ، روشنفکرانی که باید مشتریان عمده‌ی کتاب باشند ، برای تأمین معیشت ، در آن واحد به چندین کار اشتغال دارند ؛ و کارهای مختلف ، چنان فعالیتشان را جذب می‌کند که کمتر مجال برای خواندن پیدا می‌کنند . عده‌ای از اینان ، به سبب غرق شدن در کارها و معاملات سود آوری ، کم‌کم با کتاب و مطالعه و ناپدید شدن بیگانه شده‌اند .۱۴

رقابت علمی در میان طبقات تحصیل کرده ، بدون شك انگیزه‌ی مؤثری در مطالعه است . عدم احساس رقابت علمی ، هنگامیکه با چند کارگی دست‌بندست هم دهد ، زمینه‌ی مناسبی را برای فرار از مطالعه آماده می‌سازد .

آقای «عبدالرحمن فرامرزی» در این باره متذکرند که :-

« ... من ... آمدم تهران درس بخوانم ؛ با هر معلمی صحبت کردم ، دیدم بیشتر از من سواد ندارد ، گفتم ؛ چرا من درس بخوانم؟! خودم درس میدهم ... وقتی که در محیطی آدم با سواد نیست ، یا کم‌است ؛ آدم زحمت نمی‌کشد که با سواد بشود ... وقتی که انسان درش و کارش طالب ندارد نمی‌رود دنبال آن هنر ... ۲۴

میگویند : « در شهر کوران ، آدم يك چشمی سلطان است » ، و شعاع در تاریکی جلوه‌ی خورشید دارد » . تحصیلکرده‌های ما در اثر تاریکی محیط و بیسوادی و جهل غالب بر اکثریت ، اندك اندك امر بر خودشان نیز مشتبه میشود و خویشان را بی‌نیاز از مطالعه می‌پندارند . در محیط بیسوادان از آنجا که تقاضای علمی کم است ، نیاز به مطالعه احساس نمی‌شود .

بدین ترتیب مطالعه نیز از يك لحاظ ، تاحدی تابع از اصل عرضه و تقاضاست . خوشبختانه کیفیت تقاضا و اصل رقابت علمی اندك اندك در حیات اجتماعی و فرهنگی ما حکمفرما می‌شود . و استادان و معلمان ما آهسته آهسته کمبود مطالعه و نگرانی حاصل از آن را در خود احساس می‌کنند . در ضمن نقل قول از يك استاد ، در بخش زبانهای چندکارگی - در مسئله‌ی کار - تلایه‌ی آغاز این نگرانی را از عدم فرصت مطالعه ، بخوبی ملاحظه کردیم :-

۱ - مجله‌ی راهنمای کتاب ؛ ش ۷ ؛ مهرماه ۱۳۴۰ ، ص ۵۸۳

۲ - مجله‌ی راهنمای کتاب ؛ ش ۷ ؛ مهرماه ۱۳۴۰ ، ص ۹۰ - ۹۸۹

... عبدالرحمن بدوی ، امروزیکی از محققان و صاحب نظران بنام درباره‌ی متون فلسفی اسلامی است. و امروز هرچه درباره‌ی رشته‌ی تخصصی خود می‌گوید ، برای محققان دارای سندیت است ، و من هرچه در سر کلاس خود می‌گویم (به سبب عدم فرصت مطالعه و اشتغال به چندین کار مختلف) ، بی‌وسه تکرارم که می‌ادا دانشجویی در اثر مطالعه‌ی آثار جدیدتر و خارج از درس ، بر من بتازد و از گفته‌هایم عیبجویی کند ، در صورتیکه روزگاری که در پاریس تحصیل می‌کردیم ، من بمراتب از دوستم ، بدوی ، بیشتر بودم^۱ .

عوامل دیگر در گریز از کتاب
«گریز از کتاب» ، پدیده‌ی زیانمندی است که آشکارا در میان دانش‌آموزان و دانشجویان ایرانی بفرآوانی دیده میشود . لیکن با این وصف پدیده‌ی گریز از کتاب را ، نمیتوان یکباره ناشی از سنت تاریخی **«فرهنگ سمعی»** ، عدم سابقه‌ی آشنائی با مطالعه در کانون خانواده ، یا چند کارگی و فقدان رقابت علمی دانست . بدون شك ، عامل اقتصادی ، یعنی ضعف مالی طبقه‌ی محصل و تحصیل کرده ، بدی تنظیم کتاب‌های درسی ، نارسائی چاپ و سبك نگارش آنها ، و عدم تبلیغ صحیح از کتاب‌های خوب در تشدید این بی‌میلی نسبت به مطالعه و فرار از کتاب بی‌نفوذ نیست .

پاره‌ای از دانشجویان ، با توجه به ضعف بنیه‌ی مالی خود ، کتاب مجانی را چاره‌ی درد و گریز از کتاب « میدانند . متأسفانه عدم اعتیاد به مطالعه چنانکه یادآور شدیم ، ریشه‌ای عمیق‌تر دارد و ضمناً تصور نمیرود کتاب‌های درسی مجانی بتواند دانشجویان را به مطالعه معنادار سازد . **«مفتخوانان»** و ممتازدان به کتاب مجانی ، هر گاه کتابی هر اندازه نیز پرارج بیابند که باید آن‌را بخرند ، سهولت از آن صرف نظر میکنند . تجارت کتاب بستگی نزدیک با پیدایش طبقه‌ی نویسندگان و مترجمان حرفه‌ای دارد ، تا کتاب ، فروش نرود و بازار آن رایج نشود ، و نویسندگان و مترجمان از فروش آثار خود بهره‌مند نشوند ، و مترجمان و نویسندگان چیره دستی بوجود نخواهند آمد . یکی از اشکالات فرهنگی ما نیز همین است که ما **«نویسندگان و مترجمان حرفه‌ای»** به ندرت داریم .

انتشار و توسعه‌ی کتاب‌های جیبی از مشکل اقتصادی تهیه‌ی کتاب میکاهد ، و امکان توسعه‌ی مطالعه را در میان طبقات مختلف بالا میبرد . لیکن هنوز برای ایجاد عادت مطالعه در میان جوانان ، اقدامات دامنه دارتری باید صورت گیرد .

(ناتمام)

۱ - این استاد که ما هنگام انتشار مشله‌ی کار از ذکر نام وی خودداری نمودیم ، شادروان دکتر موسی عمید رئیس دانشکده‌ی حقوق بود . پس از انتشار مشله‌ی کار اندکی قبل از فوت دکتر عمید ، فرصتی دست داد که مطلب را با نام برده در میان تهیم ، وی اجازه داد که در صورت تمایل ذکر نام او مانعی نخواهد داشت .